

## پس اداعش؛ ضرورت مقابله با تفکر تکفیری

نرجس بهشتی

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

برخلاف چیزی که تصور می‌شود، داعش کاملاً از بین نرفته و صرفاً حکومت و سرزمین را از دست داده است و این امکان وجود دارد که همانند گروه‌های تروریستی دیگر، از مکانی به مکان دیگر منتقل یا از حرکتی به حرکتی دیگر روی آورد.

داعش قبل از آن که یک سازمان نظامی یا تشکیلاتی سیاسی باشد، یک تفکر و اندیشه است؛ اندیشه‌ای که نمی‌توانیم با شکست در محدوده‌ی سرزمینی، این ادعا را داشته باشیم که آن تفکر نیز از بین رفته است.

این که در جغرافیای سرزمینی با کمک دیگر کشورها توانستیم داعش را شکست بدهیم کاملاً مورد قبول است اما تا زمانی که ریشه‌ها و سرمنشا این تفکر

----- ادامه‌ی سرمقاله صفحه‌ی ۲ -----

## بست نشینی در آئینه‌ی عقل و دین

صفحه‌ی ۲



## عدالت قضایی، راهکار کاهش جرایم

صفحه‌ی ۳

## تبعیض سازمان یافته، بلا‌ی جان کشور

صفحه‌ی ۴



## چرا مسکن مهر، ارزان است؟

صفحه‌ی ۴

تورتم هین است

# تخلف اداعش



# عدالت قضایی، راهکار کاهش جرایم

تأملی بر تأثیر عملکرد قوه قضائیه بر تشکیل ۱۷ میلیون پرونده قضایی



واقعیت آن است که نظام قضایی در فرایند وقوع جرایم، یک عنصر منفعل و نظاره‌گر صرف نیست؛ بلکه می‌تواند با اتخاذ رویکردهای مختلف، در کاهش یا افزایش میزان بزهکاری تأثیر گذارد.

## سرمقاله

----- ادامه‌ی سرمقاله صفحه‌ی ۲ -----

از بین نرود، قطعاً نمی‌توان خوشبین بود که شاخه‌ی نظامی آن از بین رفته است.

این ریشه‌های فکری-عقیدتی که کانون اصلی آن، عربستان و وهابیت است؛ تا زمانی که الهام‌بخش و واجد اثر بر روی افکار مسلمانان باشد؛ هر آینه امکان شکل‌گیری یک گروه تروریستی دیگر در محدوده‌ی سرزمینی دیگر وجود دارد؛ مانند کشورهایی که دچار بی‌ثباتی سیاسی‌اند یا دولت‌هایی که پایدار نیستند و دچار انواع بحران‌ها می‌باشند.

بنابراین مهم‌ترین مسئله، شاکله‌ی فکری و ایدئولوژیکی است؛ همانند گروه طالبان که در سال ۲۰۰۱ با حمله ایالات متحده قدرت را از دست دادند اما کماکان در داخل جامعه افغانستان تحرکاتی صورت می‌دهند.

به دیگر سخن، با وجود آن‌که طالبان از صحنه سیاسی دور شده‌اند، اما در صحنه اجتماعی حضور دارند و این تفکر و اندیشه از بین نرفته است.

دولتمردان، سیاستمداران و جریان‌های سیاسی به این امر واقف‌اند که با وجود این‌که ما توانستیم داعش را از صحنه سیاسی عراق و سوریه خارج کنیم اما کماکان این احتمال وجود دارد که در آینده این تفکر، فاز نظامی منسجم را از سر بگیرد و با حمایت‌های بین‌المللی به دولت‌سازی مبادرت ورزد. مدیریت بعد از بحران مسئله مهمی است؛ برای جلوگیری از ایجاد گروه‌های تروریستی مشابه باید با اندیشه‌ی تکفیری مقابله کرد و با کشورهای حامی تروریسم، برخورد مقتضی صورت گیرد.

هم‌پیمانان استکبار در منطقه، قصد داشتند با مبتلا کردن سوریه به بلای داعش، محور مقاومت را تضعیف نمایند اما برخلاف تصور، نتیجه نهایی آن شد که ایران بر قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود افزود.

امروزه بر خلاف گذشته که تصور می‌شد با امیدواری بر قدرت سیاسی و نظامی می‌توان کنترل منطقه را به دست گرفت، نظریه «سازمانگاری» بیان می‌کند که در کنار ساختار مادی، ساختارهای غیرمادی نیز تأثیرگذارند و راز موفقیت ایران نیز آن است که صرفاً به قدرت نظامی محدود نیست و از سایر مولفه‌های قدرت از جمله قدرت ایدئولوژیک نیز برخوردار است.

وظیفه‌ی جهان اسلام برای مدیریت بحران این است که اولاً درون ساختار سیاسی کشورها به صورت درازمدت ارتش و دولت قوی تشکیل شود و از طرف دیگر جلوی ریشه‌های فکری و حمایت‌های مالی و... از تروریسم گرفته شود.

نخواهند پیوست. اهمال دستگاه قضایی در گسترانیدن عدالت، از جنبه‌های گوناگون موجب ازدیاد جرم در یک کشور می‌گردد. از منظر بازدارندگی، چنان‌چه احاد یک جامعه شاهد عدم برخورد قانونی با مفسدین و مجرمین باشند، نسبت به ارتکاب بزه، جری می‌شوند و با طیب خاطر، مرتکب اعمال مجرمانه می‌گردند. همچنین تأمین نشدن عدالت اجتماعی سبب می‌شود تا افرادی که مورد تعدی واقع شده‌اند و دستگاه قضایی را فریادرس نمی‌یابند به زعم خود به اجرای عدالت و انتقام از متجاوزین بپردازند و به تعبیری «دادگستری خصوصی» ایجاد نمایند که چنین اقداماتی، خود ذیل عناوین مجرمانه تعریف می‌شود.

از دیگرسوی، عدم اجرای عدالت، خاصه در برخورد با مفسد اقتصادی، موجبات بروز مشکلات عدیده‌ی معیشتی و اقتصادی برای بخشی از جامعه می‌گردد که این امر سبب‌ساز بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری می‌گردد.

حال که پیرامون تأثیر عملکرد دستگاه قضایی بر کاهش و یا نیز افزایش وقوع جرم در یک جامعه، احتجاج و استدلال کردیم؛ اشاره به این نکته جالب توجه است که طی ۶ سال اخیر و در دوره مسئولیت رئیس فعلی قوه قضائیه، حجم پرونده‌های قضایی از قریب به ۸ میلیون، به تعداد ۱۷ میلیون پرونده افزایش یافته؛ که این مسئله، آسیب‌شناسی عملکرد دستگاه قضایی را ضرورت بخشیده است.

| محمدسعید ابراهیمی، فارغ‌التحصیل حقوق |

تلقی رایج این است که دستگاه قضایی در کشورهای مختلف، کارکردی پسا‌جرم دارد و بعد از وقوع جرایم است که این دستگاه وارد عمل می‌شود و به نقش‌آفرینی می‌پردازد.

چنین نگرشی، ناشی از نگاه تک‌بعدی و غفلت از نظام‌واره بودن مسائل اجتماعی و برهم‌کنشی این پدیده‌هاست و طبعاً با به دست دادن تحلیلی اشتباه، مانع از درک ضرورت اصلاح نواقص ساختارهای قضایی جرم‌زا می‌گردد.

واقعیت آن است که نظام قضایی در فرایند وقوع جرایم، یک عنصر منفعل و نظاره‌گر صرف نیست؛ بلکه می‌تواند با اتخاذ رویکردهای مختلف، در کاهش یا افزایش میزان بزهکاری تأثیر گذارد.

تأثیرگذاری دستگاه‌های قضایی بر کاهش یا افزایش نرخ جرم، بسته به این است که دستگاه قضایی یک کشور در جهت عدالت‌گستری گام بردارد یا بنا به دلایلی، عدالت را قربانی مناسبات و مصلحت‌اندیشی‌ها نماید.

دین مبین اسلام تأکید ویژه‌ای بر تأثیر برقراری عدالت بر تحقق سلامت اجتماعی دارد و منابع اسلامی، مشحون از روایاتی با این مضمون است که به عنوان شاهد مثال، دُرسخنی از امیر ملک کلام را ذکر می‌کنیم؛ ایشان می‌فرمایند: «هیچ چیزی جز اجرای عدل، نمی‌تواند امور مردم و شهروندان را اصلاح کند.»

نیک می‌دانیم که مهم‌ترین کارکرد دستگاه قضایی در یک کشور، اجرای عدالت است و با توجه به آن‌چه ذکر آن رفت؛ چنان‌چه عدالت به مورد اجرا گذارده شود، بسیاری از جرایم به وقوع

چنان‌چه احاد یک جامعه شاهد عدم برخورد قانونی با مفسدین و مجرمین باشند، نسبت به ارتکاب بزه، جری می‌شوند و با طیب خاطر، مرتکب اعمال مجرمانه می‌گردند.

# بست‌نشینی در آینده‌ی عقل و دین



جمود فکری و عملی دستگاه عریض و طویل قضایی معترض‌اند که با احتساب خانواده‌هایشان جمعیتی بالغ بر بیش از شصت میلیون نفر درگیر در این پرونده‌ها را شامل می‌شود.

شانزده میلیون کسانی که به این دولت رای نداده‌اند و به شرایط امروز جامعه و رکود فشل‌کننده، حاصل از بی‌تدبیری و بی‌کفایتی‌های داخلی معترض‌اند.

همه‌ی این‌ها زنگ‌های خطر را برای بروز اعتراض‌ها و نافرمانی‌های مدنی گسترده و دومین‌ووار در آینده‌ی نزدیک، به صدا درآورده است که امروزه نیز کم و بیش صداهای اعتراض از گوشه و کنار به گوش می‌رسد و اخبار روزانه از راهپیمایی‌ها، تجمع‌ها و شعارهای ساختارشکنانه در این تجمع‌ها تاییدکننده این موضوع است.

آن‌چه از اعتراض و نافرمانی مدنی در ذهن دوستان اصلاح‌طلب و اصولگرا وجود دارد؛ قداره‌بندی، یقه‌گیری، توهین، آتش زدن سطل‌های زباله و... است و جالب این‌جاست که کسانی با این سابقه از اعتراض‌ها و نافرمانی‌های مدنی به یکباره اسلام‌شناس می‌شوند و درافشانی می‌کنند که در اسلام بست‌نشینی نداریم.

به نظر بنده‌ی حقیر، عقل سلیم (البته نه از نوع اصلاح‌طلب و اصولگرایش) حکم می‌کند که نظام از بست‌نشینی، به عنوان یک نوع اعتراض و نافرمانی مدنی متمدانه و متدینانه استقبال کند تا اعتراض‌های مدنی گسترده که در آستانه‌ی آن قرار داریم؛ نمونه‌ای معتبر و تاییدشده توسط نظام برای خود پیدا کند تا معترضان به بی‌عدالتی‌ها، راهی مورد تایید نظام برای بیان اعتراضشان، در پیش روی خود ببینند.

مطمئناً عدالت‌طلبی، که خواست عمومی مردم و مراجع معظم تقلید و در راستای تحقق آرمان‌های امام‌راحل است به واسطه‌ی یک نظام حکومتی پویا محقق می‌گردد که این، با شناخت نقایص موجود، شنیدن اعتراض‌ها و برطرف کردن بی‌عدالتی‌ها از دامن انقلابمان میسر می‌گردد.

احجت‌الاسلام والمسلمین حسین خانی‌ا

علیها) در کتابهای سیره، تاریخ، صحاح و مسانید، ادب، کلام و شرح حال رجال و معاریف به حد تواتر روایت شده است؛ و تردیدی در صحت آن نیست.

(کتاب سقیفه، بررسی نحوه‌ی شکل‌گیری حکومت پس از رحلت پیامبر به کوشش مهدی دشتی - ص ۹۸ و ۹۹)

حال انصافاً آیا می‌توان اظهارنظرهای سلیقه‌ای کسانی که نظر خود را منسوب به دین و اسلام می‌کنند پذیرفت، حال آن‌که معصومین، چنین افعالی را مرتکب می‌شده‌اند و عملاً بر جواز آن مهر تایید زده‌اند.

## - بست‌نشینی در آینده عقل

همان‌گونه که گفتیم از منابع اصلی فهم اوامر و نواهی دین، «عقل» است.

ایران کشور فراز و نشیب‌هاست و مردمان آن به خاطر بی‌کفایتی‌ها و خودبرتربینی‌های کوچک و بزرگ ژن‌های برتر، خو کرده‌اند که با سلیبی صورت خود را سرخ نگه دارند.

در شرایطی که در یکی از بی‌سابقه‌ترین دوران نارضی تراشی‌های تاریخ ایران به سر می‌بریم، شاهدیم که مردم و موسسات مالی و اعتباری و بنگاه‌ها و تعاونی‌های پولی به واسطه‌ی مداخله‌گری‌های نابه‌جای خاله خرسه‌های اقتصاد، یکی از بی‌بدیل‌ترین فرصت‌های گشایش در بازار اقتصاد ایران را بر باد رفته می‌بینند و به واسطه‌ی رفتارهای نابه‌جا و تحریک‌های پلیسی دولتمردان و تیم امنیتی-اقتصادی دولت و تعطیلی بخش مولد اقتصاد این صدای اعتراض‌هاست که به گوش می‌رسد.

کارگران، کشاورزان، فرهنگیان، کارمندان، هنرمندان، کارگران روزمزد، جوانان تحصیل کرده، حوزویان، کسبه و... معترض‌اند ولی نجیبانه دم بر نمی‌آورند و باز صورت خود را با سلیبی سرخ نگه می‌دارند.

چهار میلیون طلبکار از موسسات، بنگاه‌ها و تعاونی‌های پولی و اعتباری که بانک مرکزی اعلام می‌کند کاری برایشان نمی‌تواند انجام دهد.

هفده میلیون کسانی که پرونده‌ی قضایی دارند و به بی‌عدالتی‌ها، نخوت‌ها و

تاریخ همیشه منشاء احصاء انواع و اقسام نظریات پژوهشگرانی بوده که گاهی ایده‌پردازی‌های کاملاً متضادی از یک رخداد تاریخی واحد، ارائه نموده‌اند.

در هر پژوهش تاریخی، نوع نگاه و رویکرد مورخ یا پژوهشگر به جهان و درک او از حقایق هستی در کنار انصاف و اخلاق در تحقیق، موجب می‌گردد شناخت گزاره‌های متنوعی از کنش‌ها و واکنش‌ها در جامعه هدف محقق گردد.

در یک حرکت مدقانه، محقق همواره در تلاش است با بررسی داده‌های تاریخی، در رسیدن خود و جامعه به حقیقتی که در پس آن رخدادهاست نائل آید.

## - اسلام بست ندارد!!!

تا آن‌جا که ما شنیده‌ایم علما چهار منبع اصلی برای احصاء دستورات اسلامی دارند که عبارتند از قرآن، سنت، عقل و اجماع؛ و از اشکالاتی که در عصر ما فراوان دیده می‌شود انتصاب نظر و سلیقه شخصی، گروهی، خانوادگی، قبیله‌ای، بانندی و حزبی خود به اسلام است.

در بررسی واکنش متمدانه‌ی بست‌نشینی و در مراجعه به تاریخ اسلام، موارد متعددی از این رخداد اجتماعی و نرم مشاهده می‌شود که عالمان روزگار با مشاهده ظلم‌ها و بیداده‌های زمانه‌ی خود، از این حرکت اعتراضی استفاده کرده‌اند ولی چون قول و فعل معصوم برای ما حجت است سوال اساسی در این مسئله این است که آیا در سیره‌ی عملی معصومین (ع) بست‌نشینی، مسبوق به سابقه است؟

در پاسخ به این سؤال و به عنوان مشتم نمونه خروار، باید به تاریخ صدر اسلام مراجعه کنیم.

خلیفه دوم می‌گوید: پس از این که خداوند پیامبرش (صلی الله علیه و آله) را به سوی خود فراخواند، از گزارش‌هایی که به ما رسید یکی این بود که علی (علیه السلام) و زبیر و همراهانشان از ما بریده‌اند و در مقام مخالفت با ما در خانه فاطمه (سلام الله علیها) گرد آمده‌اند. (مسند احمد ۵۵/۱)

مورخان، در شمار کسانی که از بیعت با ابوبکر، سرباز زدند و همراه با علی (علیه السلام) در خانه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بست نشستند؛ اشخاص زیر را نام برده‌اند:

زبیر، عباس بن عبدالمطلب، عتبه بن ابی لهب، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، مقداد بن اسود، براء بن عازب، ابی بن کعب، سعد بن ابی وقاص، طلحه بن عبیدالله، و گروهی از بنی هاشم و مهاجران و انصار.

موضوع خودداری علی (علیه السلام) و همراهان وی از بیعت با ابوبکر و بست نشستن آنان در خانه‌ی فاطمه (سلام الله

مورخان، در شمار کسانی که از بیعت با ابوبکر، سرباز زدند و همراه با علی (علیه السلام) در خانه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بست نشستند؛ اشخاص زیر را نام برده‌اند:

زبیر، عباس بن عبدالمطلب، عتبه بن ابی لهب، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، مقداد بن اسود و...

عقل سلیم حکم می‌کند که نظام از بست‌نشینی، به عنوان یک نوع اعتراض و نافرمانی مدنی متمدانه و متدینانه استقبال کند تا اعتراض‌های مدنی گسترده که در آستانه‌ی آن قرار داریم؛ نمونه‌ای معتبر و تاییدشده توسط نظام برای خود پیدا کند.



# مرگ تدریجی یک رویا

گرفتن استعفایش، آل سعود و اسرائیل را به خانه اول بازگرداند و آزاد شدن بوکمال توسط جبهه مقاومت نیز تیر خلاصی بود که بر پیکر داعش و حامیانش وارد شد تا سیاست‌های نپخته و نسنجیده محمد بن سلمان بیشتر عیان شود.

پس از شکست‌های محاسباتی و منطقه‌ای شاهزاده جوان سعودی، او به دنبال انتقام‌گیری از رقبای داخلی است تا اقتدار خود را (حداقل) در کشورش حفظ کرده باشد.

در مجموع می‌توان گفت شکست در پروژه‌های کردستان و لبنان، نشان داد که سعودی‌ها و صهیونیست‌ها، پلن B خود را در صورت شکست داعش در منطقه نداشتند یا به بیان بهتر آن‌ها اصلاً تصور شکست در عرصه‌ی میدانی را از جبهه‌ی مقاومت نمی‌کردند.

به هر روی، رویای داعش که به تعبیری آغاز جنگ مذهبی ۳۰ ساله مسلمانان بود با شجاعت و غیرت و هوشیاری سربازان خمینی کبیر تبدیل به کابوس مرگبار سعودی‌ها و صهیونیست‌ها شد.

| امیرسینا عاشوری |

سعد حریری در سفری که با خانواده‌اش به عربستان داشت در اقدام غیرمنتظره‌ای در برابر دوربین‌ها از قدرت کناره‌گیری کرد تا لبنان بدون نخست‌وزیر بماند.

سعودی‌ها با استعفای سعد حریری، وحدت ملی مردم لبنان را نشانه گرفته بودند تا مردم و افکار عمومی لبنان را به این جمع‌بندی برسانند که برای آرامش و امنیت لبنان، حزب الله باید خلع سلاح شود.

گام بعدی، اردوکشی‌های خیابانی و تظاهرات هواداران حریری بود که در نتیجه‌ی آن، همه چیز برای حمله اسرائیل به لبنان فراهم می‌شد اما کیاست و تدبیر سیدحسن نصرالله، معادلات سعودی‌ها را به هم ریخت؛ آن‌جا که در سخنرانی خود پرده از نقشه‌ی پنهان آل سعود برداشت و مردم لبنان را به آرامش و وحدت فراخواند تا در صورت حمله‌ی احتمالی، اسرائیل، مقابله‌ی جدی و یکپارچه‌ای از لبنان ببیند. اما بازگشت حریری به لبنان و پس

آزادسازی دیرالزور توسط نیروهای مقاومت ضربه‌ی سختی بر پیکره‌ی تکفیری‌ها وارد ساخت و حامیان عربی-عبری آن‌ها را وادار به تغییر سیاست‌گذاری میدانی خود کرد.

در واقع می‌توان گفت استقلال کردستان عراق، نقطه‌ی آغاز دومینوی تجزیه‌ی دیگر کشورهای محور مقاومت و تشکیل خاورمیانه‌ی جدید بود اما شتابزدگی و محاسبات غلط صهیونیست‌ها منجر به شکست پروژه‌ی خام استقلال کردستان شد.

یکی از نتایج این اقدام آن بود که ایران و ترکیه را در یک جبهه علیه اسرائیل قرار داد و علاوه بر این، موجب استعفای مسعود بارزانی پس از سال‌ها حضور در مسند قدرت و از دست رفتن خود مختاری کردستان عراق شد.

سعودی‌ها برای آن‌که هم‌چنان جایگاه خود را به عنوان پدرخوانده‌ی آل‌های منطقه حفظ کنند، به سوی لبنان (عروس خاورمیانه) رفتند.

سعودی‌ها با استعفای سعد حریری، وحدت ملی مردم لبنان را نشانه گرفته بودند تا مردم و افکار عمومی لبنان را به این جمع‌بندی برسانند که برای آرامش و امنیت لبنان، حزب الله باید خلع سلاح شود.

# چرا مسکن مهر، ارزان است؟

تا آن‌جا که این طبقات با جایگزینی پرداخت اقساط به جای پرداخت اجاره، صاحب مسکن می‌شوند.

مسکن مهر که با فرمول ساده زیر طراحی شد بیش از چهار میلیون خانواده ایرانی را صاحب خانه کرد:

الف- حذف قیمت زمین از قیمت تمام شده

ب- کاهش شدید بهره بانکی تسهیلات مورد نیاز برای ساخت

| دکتر عبدالرضا داوری |

مسکن را به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین حذف قیمت زمین در فرآیند ساخت مسکن، به طور متوسط تا ۶۰ درصد قیمت تمام شده مسکن در کشور را کاهش می‌دهد.

بهره بانکی متداول ۱۶ درصدی برای ساخت مسکن در یک دوره بازپرداخت ۱۲ ساله، تا ۱۱۳ درصد هزینه مازاد از هزینه ساخت بر مردم تحمیل می‌کند؛ کاهش این بهره تا ۴ درصد، توان بازپرداخت اقساط ساخت بنا را تا پایین‌ترین دهک‌های درآمدی نیز امتداد می‌دهد

برای ساخت مسکن به پنج نهاده‌ی زیر نیاز است:

الف- زمین ب- مصالح ج- نیروی کار د- منابع مالی ه- طرح معماری و شهرسازی

در میان نهاده‌های پنج‌گانه‌ی فوق، تامین نهاده‌ی «طرح معماری و شهرسازی» به عهده دولت است.

نهاده‌ی نیروی کار و مصالح در ایران محدودیتی ندارد؛ مسئله‌ی اصلی در ساخت مسکن، تامین زمین و منابع مالی است. بسته به مناطق مختلف کشور، قیمت زمین ۵۰ تا ۷۰ درصد از قیمت نهایی



حذف قیمت زمین در فرآیند ساخت مسکن، به طور متوسط تا ۶۰ درصد قیمت تمام شده مسکن در کشور را کاهش می‌دهد.

# تخم لُقش

اندر احوالات کاسبان زلزله



خللی ایجاد نگردهد. زلزله‌ی اخیر در کرمانشاه که خیل عظیمی از هموطنان را داغدار و آواره کرد، اما بر خلاف رویه‌ی مرسوم، به دستاویزی برای سیاسی‌کاری مبتدل گشت و برخی دولتمردان با موج‌سواری بر روی خون هموطنان خویش، در پی انتقام سیاسی از دولت سابق برآمدند.

در این مسیر و به تعبیر دستیار رهبر انقلاب، اولین تخم لُق را معاون اول رئیس‌جمهور گذاشته، در ساعات اولیه بروز زلزله، به دروغ مدعی شد بیشترین حجم تخریب در ساختمان‌های «مسکن مهر» صورت گرفته است.

این اظهارات در حالی صورت گرفت که مدیرکل راه و شهرسازی کرمانشاه، صراحتاً بر این نکته تأکید ورزیده است که مسکن مهر از مقاومت خوبی برخوردار بوده است؛ وی در مصاحبه با رسانه‌ها تصریح کرده که: «نمی‌توان گفت که واحدهای مسکن مهر، چون کیفیت ندارند تخریب شده‌اند؛ چرا که عمده‌ترین تخریب‌ها مربوط به واحدهای مسکونی خصوصی است.»/ جوان آنلاین

ارتزاق کاسبان زلزله از این حادثه‌ی غم‌انگیز، تنها به تخریب عملکرد دولت‌های نهم و دهم محدود نشد و دولتمردان، از این واقعه دردناک به عنوان بستری برای شواف بهره جستند که البته در اثر تصنعی بودن و کارنابدی، اثر معکوس داشت و حضور رئیس‌جمهور در معیت گارد ضد شورش! و بازدید معاون اول وی از محل اقامت زلزله‌زدگان با کفش! موجی از انتقاد و اعتراض، برانگیخت و القصه، سرکنگبین صفرافزود.

در این مقال، قصد بر دفاع از مسکن مهر نیست؛ چه، اصولاً اعداد و امار و خاصه استقبال گرم و پرشور زلزله‌زدگان از مسبب این طرح، خود گویای همه چیز است. آری؛ بحث بر سر مسئله‌ای فراتر است که همانا عبارت است از «نگاه ابزاری دولتمردان به مردم».

این نوع نگرش موجب می‌گردد مصائب مردم، دستمایه دعوای سیاسی و یا شوهای تبلیغاتی مسئولان قرار گیرد.

|محمدسعید ابراهیمی، فارغ‌التحصیل حقوق|

مردم، مسئولین و دستگاه‌های یک کشور، اختلافات را وانهاده، همدل و همنوا کمر به رفع مشکل حادث شده می‌بندند و از آن رویداد مؤلمه، در جهت تفوق در دعوای سیاسی بهره نمی‌برند.

از همین رو رهبر انقلاب در ماجرای احتراق و فروریزش مجتمع تجاری پلاسکو، بر این امر تأکید ورزیده، کلیه دستگاه‌ها را به مشارکت در حل مشکل دعوت نموده، تصریح کردند که رسیدگی به علل و عوامل بروز این حادثه به زمان دیگری موکول شود تا در روند مدیریت بحران،

دیانت سیاسی از لحاظ مفهومی، نقطه‌ی مقابل شرافت سیاسی است و به گونه‌ای از کنش سیاسی اطلاق می‌شود که عاری از «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» باشد و از این روست که دیانت سیاسی را نباید منحصر به زمینه‌سازی برای تسلط بیگانگان بر کشور دانست؛ بلکه ترجیح منافع شخصی یا جناحی بر مصالح جامعه نیز گونه‌ای بارز از دیانت سیاسی به شمار می‌آید.

حوادث و بلایای طبیعی، همواره عاملی برای انسجام اجتماعی ملت‌هاست و در هنگامه‌ی بروز چنین رخدادهایی، آحاد

## فساد قانونی

مفاسد اقتصادی و مصادیق آن‌ها از جمله مسائلی هستند که با واکنش عمومی مواجه می‌شوند.

سیل برخوردهای سیاسی و گاه احساسی در این رابطه به وضوح قابل مشاهده است اما در نگاه علمی به این مسئله باید گفت که سیل برخوردها و واکنش‌های مختلف با این مسئله نباید محققین و اهل علم را از ریشه‌یابی علمی و بنیانی این‌گونه مسائل غافل نماید.

در همین راستا می‌توان به مسئله‌ی حقوق‌های نجومی اشاره کرد؛ این مسئله فراتر از یک اتفاق بوده، نمودی از یک جریان است؛ جریانی معیوب و ناقص که یک نمونه‌ی آن در قالب حقوق‌های نجومی بروز می‌کند.

این جریان ناقص، فرآیند اداری ناکارآمد و غیر شفاف است.

ناکارآمدی نظام اداری به نقطه‌ای رسیده است که فسادها نه در اندازه یک رشوه ساده بین کارمند و ارباب‌رجوع، بلکه در اندازه رشوه و اختلاس‌های میلیاردری، بروز می‌نماید.

یکی از دسته‌بندی‌های فساد، تقسیم به فساد خرد و کلان است؛ در فساد خرد، بده‌بستان‌های فاسد بین کارمندان رده پایین و مراجعان اداری صورت می‌گیرد اما در فساد کلان، مدیران عالی اداری با سوءاستفاده از اختیارات وسیع خود به غارت بیت‌المال می‌پردازند.

مدیران عالی که از آنان به عنوان یقه‌سفیدها یاد می‌شود، با سوءاستفاده از فضای غیرشفاف حاکم بر اداره حتی با تغییر قوانین به نفع خود دست به اختلاس می‌زنند.

شاید بتوان گفت زشت‌ترین و خطرناک‌ترین نوع فسادها، «فساد قانونی» می‌باشد؛ چراکه در این نوع فساد، اعمال فسادآمیز با تغییر قوانین،

زلزله‌ی اخیر در کرمانشاه که خیل عظیمی از هموطنان را داغدار و آواره کرد، اما بر خلاف رویه‌ی مرسوم، به دستاویزی برای سیاسی‌کاری مبتدل گشت و برخی دولتمردان با موج‌سواری بر روی خون هموطنان خویش، در پی انتقام سیاسی از دولت سابق برآمدند.

زشت‌ترین و خطرناک‌ترین نوع فسادها، «فساد قانونی» می‌باشد؛ چراکه در این نوع فساد، اعمال فسادآمیز با تغییر قوانین، جنبه قانونی پیدا می‌کند.

در این زمینه نقش رسانه‌ی ملی و نهادهای نظارتی و قضایی بسیار برجسته است.

|نگارنده|

# FATF، سندی به کام غربی‌ها یا فرصتی برای کشور

# FATF



## مقدمه

یکی از راه‌های مبارزه با پدیده‌ی تروریسم، مبارزه با تأمین مالی آن است. به این منظور، کشورها خود به طور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه اسناد و مقرراتی جهت مسدود نمودن راه‌های تأمین مالی تروریسم نموده‌اند.

از حیث اهمیت و اعتبار شکلی و وصف الزام‌آور آن‌ها، قطعنامه‌های شورای امنیت، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱، در وهله‌ی اول اهمیت قرار دارد؛ در وهله بعد، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) تدوین شده توسط سازمان ملل متحد است و سپس، توصیه‌های ویژه هشتگانه و نیز برخی از توصیه‌های مرتبط چهل‌گانه گروه اقدام مالی می‌باشد.

اگرچه توصیه‌های گروه اقدام مالی برخلاف قطعنامه ۱۳۷۳ از پشتوانه ماده‌ی ۲۵ منشور ملل متحد برخوردار نیستند، ولی از نظر عملی واجد اهمیت بسیارند.

کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم، سندی برای پیشگیری و مقابله با اشکال و مصادیق مختلف تروریسم بین‌المللی، از طریق قطع منابع و پشتوانه‌های مالی سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی است و علاوه بر این، کشورهای عضو باید با مبادله اطلاعات، مانع تأمین مالی تروریسم شوند.

کلیه کشورها باید در اسرع وقت به عضویت کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط و پروتکل‌های مرتبط با آن‌ها ناظر بر تروریسم، از جمله کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم درآیند؛ از این رو، الحاق به کنوانسیون و حتی سایر کنوانسیون‌های مرتبط، به موجب قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت که بر مبنای فصل هفتم منشور صادر شده است، الزامی است و عدم انجام این تکلیف می‌تواند منجر به اعمال ضمانت‌اجراهای مقرر در منشور شود. تصویب و اجرای کنوانسیون نیز مستلزم تصویب قانونی داخلی است که باید مطابق قواعد و استانداردهای مقرر در کنوانسیون، تدوین شده باشد.

علاوه بر این‌ها، ملاحظات عملی مربوط به حفظ رابطه‌ی کارگزاری با بانک‌های خارجی نیز مستلزم اجرای توصیه‌های گروه اقدام مالی است.

از طرف دیگر، مطابق ماده ۲۷ کنوانسیون، کشورهای عضو می‌توانند با اعلام کتبی به دبیرکل ملل متحد از کنوانسیون کناره‌گیری کنند؛ در این صورت یک سال پس از وصول اعلام کتبی توسط دبیرکل ملل متحد، این کناره‌گیری نافذ و موثر خواهد بود.

این کنوانسیون، سه تعهد عمده برای

## کشورهای عضو قائل شده است:

(۱) جرم‌انگاری تأمین مالی اعمال تروریستی در قوانین جزایی. (۲) همکاری گسترده با سایر کشورهای عضو و ارائه‌ی معاضدت قضایی در موضوعات مربوط به کنوانسیون. (۳) وضع مقررات و الزامات مربوط به ایفای نقش مؤسسات مالی در کشف و گزارش‌دهی موارد تأمین مالی اعمال تروریستی.

## عضویت ایران

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بارها و بارها قربانی تروریسم بین‌المللی و افراطی‌گری گروه‌های تروریستی شده است؛ حملات بی‌رحمانه گروه تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) و در سال‌های اخیر نیز، عملیات تروریستی تکفیری‌های داعش، مؤید این ادعا است؛ از این رو، لایحه‌ی الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم که به پیشنهاد وزارت امور خارجه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۰۷ هیئت وزیران به تصویب رسیده است، جهت طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال شد.

اما آنچه مهم است این می‌باشد که تعاریف ایران در مورد تروریسم با تعاریف دول غربی و آمریکا متفاوت است؛ کشورهای غربی در زمینه برخورد با تروریسم، همواره دوگانه برخورد کرده‌اند.

با توجه به این موارد به نظر می‌رسد پیوستن ایران به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مسیر اعمال فشار دولت‌های متخاصم را علیه کشور هموارتر می‌کند و در این چارچوب، پذیرش این تعهد بین‌المللی، گروه‌های فعال داخلی کشور را بیش از پیش در معرض آسیب قرار می‌دهد.

در واقع، با وجود ابهام مفهومی اصطلاح تروریسم و غلبه گرایش و تفسیر دولت‌های غربی از آن در فضای بین‌المللی، نمی‌تواند در وضعیت فعلی گره‌گشای مبارزه حقیقی با تروریسم در جهان باشد. در نتیجه این سند نیز مانند بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های سازمان ملل متحد، تنها به عنوان ابزاری در دست کشورهای غربی قرار خواهد گرفت و گره‌ای از مشکلات پیش‌روی مردم جهان باز نخواهد کرد.

مسئله‌ی دیگر آن است که حتی فهرست گروه‌ها و افراد تروریست ارائه‌شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل که خود، متأثر از وقایع ۱۱ سپتامبر ایالات متحده آمریکا است؛ فاقد معیاری مشخص در تعیین گروه‌های تروریستی است.

این فهرست که در بردارنده نام اشخاص و

سازمان‌های وابسته به دو گروه القاعده و داعش است، بیش از پیش، تأمین نظرات برخی اعضای شورا را نشان می‌دهد؛ به بیان بهتر، لیست‌هایی از این دست، تنها به تأمین منافع کشورهای عضو شورای امنیت می‌انجامد و هیچ‌گاه منفعت بین‌المللی را در نظر نمی‌گیرند.

این تفاوت رویکرد سبب می‌شود در نسبت‌دادن اقدامات تروریستی به گروه‌ها و افراد مختلف، ضوابط و معیارهای مختلفی حاکم شود و نظام یکپارچه‌ی مقابله با تروریسم دچار چالش شود.

بدیهی است چنین اختلاف شگرفی، راه مقابله با تروریسم حقیقی را قربانی بازی قدرت و منافع سیاسی کشورهای زورمدار می‌کند.

قرار گرفتن نام گروه‌هایی همچون حماس و جبهه مردمی آزادی‌سازی فلسطین در فهرست گروه‌های تروریستی ایالات متحده و تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به بهانه‌ی کمک به گروه‌های تروریستی در ماه اکتبر ۲۰۱۷ و همچنین خروج گروه تروریستی مجاهدین خلق در تاریخ ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۱۲ میلادی از فهرست گروه‌های تروریستی، به خوبی نمایانگر ابزارانگاری تروریسم در کشورهای مستکبر جهان است.

بعد دوم این مطلب آن است که با توجه به عضویت ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی در این کنوانسیون و همچنین برخورداری آمریکا و برخی از دولت‌های اروپایی از امتیاز عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل و درعین حال تأکید بر تروریست بودن برخی افراد حقیقی، سازمان‌ها و نهادهای آزادی‌بخش همچون حزب‌الله و سپاه پاسداران، به نظر می‌رسد ایران پس از پیوستن به کنوانسیون مذکور، طبق تعهد نوع دوم خود یعنی در قالب همکاری گسترده با کشورهای عضو باید به تحریم مالی و مبارزه با تأمین مالی گروه‌های اعلام‌شده مبادرت ورزد که این خود تهدیدی علیه زیرساخت‌های امنیتی، ملی و بین‌المللی کشور است.

# تبعیض سازمان یافته، بلای جان کشور



تبعیض های سازمان یافته، بغض ها و عقده های فروخورده ای هستند که هر لحظه می توانند بشکنند و سیل شوند و اصلاح طلب، مذهبی و غیرمذهبی را با خود ببرند و غرق کنند.

لحظه می توانند بشکنند و سیل شوند و اصولگرا و اصلاح طلب، مذهبی و غیرمذهبی را با خود ببرند و غرق کنند. مناسبات اقتصادی و اجتماعی هر روز بیشتر از دیروز به نفع سرمایه داران رقم می خورد.

برای انقلاب ۵۷ خون دل های بسیار خورده شده است. هنوز مادران زیادی در انتظار استخوان های فرزندان خویش هستند. آمریکا و اسرائیل و شرق و غرب و هیچ ابرقدرت بی شرفی هیچ غلطی نمی تواند بکند اما خرد کردن استخوان مستضعفین کمر جمهوری اسلامی را خواهد شکست.

| اکبر شهبازی |

می لرزاند، کمرت را می شکنند، یک سرما خوردن معمولی ۱۰۰ هزار تومان برایت هزینه دارد، حقوق یک کارگر معمولی ساختمان به شرط آن که کسی او را سرکار ببرد ۵۰ هزار تومان است؛ دیگر کسی جرأت مریض شدن و مردن هم ندارد. پس از مطب دکترها، حالا مراکز خیریه نیز بیمه ای سلامت را قبول نمی کنند؛ قیمت ویزیت پزشکان برای این که زیر میزی نگیرند توسط وزیر هزار میلیاردی چند برابر شد حالا مردم در برابر میزهای اشرافی پزشکان هستند با دست خالی و جسمی پر درد و با کاغذ پاره ای به اسم دفترچه سلامت ایرانیان!

تبعیض های سازمان یافته، بغض ها و عقده های فروخورده ای هستند که هر

دولت پرداخت بدهی ۳۰۰ میلیاردی تیم های استقلال و پرسپولیس را قبول کرده است، سپرده گذاران کاسپین و آرمان و... تمام زندگی خود را داده اند، بیچاره شده اند و هیچ کس پاسخگو نیست.

ده سال است در انتظار واحد ۶۰ متری مسکن مهری است که برایش از گلوی زن و بچه زده است و از طلای عروس همسر مایه گذاشته است، اما پاسخ وزیری که با پیوند های الگشاریک بر مسند تکیه زده است و باجناق فلانی است، یک جمله است: «طرح مزخرفی است».

سرما را تحمل می کنی اما، یک سرماخوردگی معمولی تنت را

## سلبریتی ها؛ هیاهو برای مسکن مهر و بی تفاوتی در برابر پایان داعش

سلبریتی ها به منظور شواف، برای ساعاتی، کنار مردم خودی نشان می دهند و بعضا به خاطر حضور پر سروصدا و ایجاد کارناوال، کار امدادسانی را هم مختل می کنند و بعد به دنبال زندگی خود بر می گردند.

این غوغای رسانه ای در حالی است که حضور پررنگ و خستگی ناپذیر نیروهای جهادی و بسیج و ارتش و سپاه و طلاب که هم چنان به دور از خانه و کاشانه در کنار مردم و برای مردم خدمت می کنند، در فضای مسموم رسانه ای گم می شود! علت این مهجوریت رسانه ای آن است که رسانه به حضور چهره های نقاشی شده اش زنده است.

زمانی که در صفحه های شخصی به جای ایجاد وحدت و همدلی، تخم لق سیاسی می کارند و به جای دعوت به آرامش و همکاری، مسکن مهر را به ابزاری برای عقده گشایی سیاسی تبدیل می کنند!

| معصومه بیانی |

حوادث تروریستی در عراق، سوریه، یمن و... نیست؛ اما جای تعجب نیست وقتی برای حادثه دیدگان «شارلی ابدو» پیام تسلیت ارسال می کنند!

از سلبریتی اشباع شده از شهرت و ثروت، توقعی جز گرفتن عکس سلفی و اکتفا به چند هشتگ و پیام های توییتی پر حاشیه برای مردم زلزله زده کرمانشاه و در یک کلام شواف نیست!

سلبریتی ها به منظور شواف، برای ساعاتی، کنار مردم خودی نشان می دهند و بعضا به خاطر حضور پر سروصدا و ایجاد کارناوال، کار امدادسانی را هم مختل می کنند و بعد به دنبال زندگی خود برمی گردند و تصاویر ابراز همدردی تصنعی خود را برای مشتکی لایک در صفحات مجازی شان منتشر می کنند!

در دنیای سرمایه داری امروز، «سلبریتی» یا چهره هایی که به واسطه ی غول های رسانه ای به مردم معرفی می شوند؛ با کمک هم نسبت به تغییر در باورها و افکار جامعه تلاش می کنند.

در ایران، اکثر سلبریتی ها، پژواک صدای یک جناح خاص سیاسی هستند که در بسیاری از اوقات با جهت گیری ها و بروز مواضع خاص، درصدد تضعیف اصل نظام اسلامی و تعارض با آن هستند.

از پرترای برای نگهداری حیوانات خانگی و کمپین «سگ فحش نیست» تا ناله و عزا در غم از دست دادن گربه! از نمایش برگزاری مراسم عروسی برای دومین بار آن هم در سن ۴۳ سالگی تا افتخار به مجرد در سن ۴۸ سالگی!

از بستن مچ بندهای سبز و حمایت از فتنه ای ۸۸ تا اعتراض به منع حضور زنان در ورزشگاه برای به زیر سایه رفتن عملکرد ضعیف در بازی!

از زندگی در خانه های مجلل و ترویج سبک زندگی غربی تا گرفتن عکس یادگاری با کودکان کار!

از غرولندهای شتابزده درباره مسکن مهر و القا مرگ بسیاری از هموطنان به خاطر حضور در چنین ساختمان هایی تا سکوت معنادار در قبال پیروزی جبهه مقاومت علیه داعش!

از چنین اشخاصی با این سبک رفتاری خاص، توقع ابراز همدردی با قربانیان



امروز ما شاهد این هستیم که تمام تحریم های ظالمانه نسبت به کشور بالمره و در همان روز اجرای برجام برداشته شده است و تحریم های عادلانه فقط باقی مانده است



شما جوانان دانشجو و جوانان عزیز، امید این ملت هستید که باید راهی را که فراروی شما گذاشته شده است، به آخر برسانید و این نهضتی را که در راه او آن همه جان فشانی شده است، ادامه بدهید.

## شوخی با اخبار

# چرا بوسه‌ها رو زدی به تابوتا؟

بوسه بر تابوت این ضدامپریالیست ملحد، مدعی می‌شوند که امام راحل (ره) به «جبهه جهانی مستضعفین» معتقد بوده‌اند و صرفاً قائل به جبهه‌های متشکل از «مسلمانان» در برابر استکبار نبوده‌اند؛ فارغ از صحت یا سقم این ادعا، نفس چنین استدلالی توهین به مسئولین نظام محسوب می‌شود، چون در پس این حرف، این ادعای کذب نهفته است که جریان انحرافی بیشتر از مقامات ارشد قضایی می‌فهمند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با این افراد، برخورد قضایی قاطع صورت گیرد تا به اصطلاح، شاخ نشوند.

۶- با توجه به این‌که احمدی‌نژاد از پول بیت‌المال به ونزوئلا سفر کرده است تا در مراسم یادبود یک کافر آتئیست مسیحی! شرکت کند؛ پیشنهاد می‌شود پرونده‌ای تحت عنوان «تصرف غیر قانونی در اموال دولتی» برای نامبرده تشکیل و علاوه بر مجازات وی، هزینه‌کرد سفر نیز از دارایی شخصی نامبرده کسر و به حساب قوه قضائیه واریز شود.

مجازی منتشر شده است که قطع به یقین، فتوشاپ بوده، با هدف توجیه اقدام مجرمانه‌ی رئیس‌جمهور سابق، جعل شده است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد این جاعلان تحت پیگرد واقع شوند.

۴- در پی اظهارات متین و روشنگرانه‌ی دادستان محترم کل کشور و به منظور آشنایی بیشتر با تخلفات رئیس‌جمهور سابق، قسمتی از فیلم مربوط به حضور احمدی‌نژاد در مراسم یادبود چاوز را بازبینی کرده، متوجه شدیم که وی پس از بوسه بر تابوت آن کافر حربی ملحد دهری سه‌نقطه، دست خود را مشت کرد؛ که علمای حقوق و خبرگان امر قضاوت مطلعند که این اقدام، واجد عناوین مجرمانه متعدد می‌باشد؛ ولی متأسفانه این مهم در سخنرانی جناب دادستان، مغفول واقع شد که بدینوسیله درخواست می‌شود نسبت به تشکیل پرونده‌ای جداگانه برای رئیس‌جمهور سابق، اقدام شود.

۵- پس از درافشانی‌های مسئولان قوه قضائیه، بیروان فرقه زنبیلیه! برای ماستمالیزاسیون فضاخت

دادستان کل کشور: احمدی‌نژاد بر تابوت یک کافر ملحد بوسه زده است... کاش سر عقل بیاید. خب؛ خبر بالا نیاز به شرح و تفصیل ندارد و بدون فوت وقت به سراغ ارائه بسته پیشنهادی می‌رویم.

۱- پیشنهاد می‌شود مناظره‌ای میان میرسلیم و احمدی‌نژاد با موضوع قوه قضائیه برگزار شود و در انتهای مناظره، میرسلیم عکس بوسه بر تابوت چاوز را به عنوان ضربه‌ی نهایی، به احمدی‌نژاد نشان دهد و بگوید: «اینو چی میگی؟؟»

۲- با توجه به این‌که طبق برخی «نظرات اجتهادی»، بوسه بر تابوت یک مسیحی ملحد! حرام و جرم می‌باشد؛ مستدعی است به فوریت، پرونده‌ای در این زمینه برای رئیس‌جمهور سابق تشکیل و نسبت به این جنایت هولناک، رسیدگی قاطع به عمل آید.

۳- پس از اظهارات متقن دادستان کل کشور، تصاویری از رهبر انقلاب در حال ماصافحه و مجالسه با ملحد مزبور (چاوز) در شبکه‌های

### قلم؛ گاه‌نامه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

مدیر مسئول و سردبیر: کلثومه گلی | دبیر تحریریه: محمدسعید ابراهیمی  
طراح و صفحه‌آرا: رضا صدرا | شماره ی مجوز: ۹۵۲۲۴۲ | سال سوم، شماره ی دوازدهم  
هیئت تحریریه: نرجس بهشتی، حجت‌الاسلام و المسلمین حسین خانی، سیدحامد فهیمی‌فرد، کلثومه گلی، امیرسینا عاشوری، معصومه بیانی، اکبر شهبازی، سروش مقدم، محمدامین خلیل زاده، مازیار قربانعلی، سامان رحیمی، زهرا مشمول، مصطفی صبوری، فاطمه کریمی، سجاد مقدم‌نیا، بهنام منصورزاده، مجید نجفی، محمدسعید ابراهیمی

